محدودیت‌های بالقوه فعلی، ظرفیت رشد بنگاه‌های اقتصادی و صنعتی در حال حاضر و آینده است

بهرام هاشمی

روشی بر پایه اهداف و رویه‌های کسب‌وکار که کارآفرینان در فلسفه حاکم با نام تئوری محدودیت‌ها (THEORY OF COSTRINTS =TOS) درزمان تحریم ارائه می‌کنند و راهکارهای اجرایی آن در سال رونق تولید به نام فناوری تولید بهینه قابل ارائه و اجرایی است.

کارآفرین و مدیران همیشه برای بقا، ماندگاری، رشد و رقابت‌پذیری با چالش‌ها، مشکلات و محدودیت‌هایی از قبیل منابع تولیدی، محدودیت‌های بازار مانند تقاضا، رقابت، نیاز مشتری و غیره مواجه بوده‌اند؛ زمانی باید یک مدیر و کارآفرین را موفق نامید که بتواند باوجود این محدودیت‌ها، بیشترین استفاده از منابع را داشته باشند و سودآوری و ارزش‌افزوده سازمان و یا بنگاه اقتصادی و واحد تولیدی خود را افزایش دهد.

هدف بنیادی هر سازمان و بنگاه اقتصادی انتفاعی، پول‌سازی در حال و آینده است، بنابراین اتخاذ تصمیمات باید سودآوری در کوتاه‌مدت و بلندمدت را برای سازمان ایجاد کند پس اگر شرکتی سودآوری را برگزیند در این صورت رضایت مشتری، قیمت، راهبری فناوری، مزیت رقابتی در محصول و افزایش سهم بازار، همگی شروط لازم و کافی برای دست‌یابی به آن هدف خواهند بود.

تئوری محدودیت‌ها یک فرایند روندگرا مبتنی بر بهبود مستمر بوده و نتیجه اصلی آن شناسایی محدودیت‌ها و گلوگاه‌های تولیدی به‌منظور افزایش مستمر بهره‌وری بنگاه و سازمان اقتصادی است؛ فرایند تفکر محدودیت‌ها به‌عنوان ابزاری برای حل مسئله، تشخیص و از بین بردن محدودیت‌ها، ذهنیت‌ها و راه‌های سنتی موجود مورد استفاده مدیران قرار می‌گیرد.

ایده اصلی تئوری محدودیت‌ها (TOC) بر مدیریت گلوگاه‌ها استوار است. این فرایند ادعا می‌کند که به بهبود مستمر از طریق شناسایی محدودیت‌ها و گلوگاه‌های تولیدی در شرکت و واحد تولیدی منجر خواهد شد، بدین ترتیب تمرکز اصلی آن ابتدا شناخت محدودیت‌ها و سپس مدیریت بر روی آن‌ها در جهت افزایش کارایی سیستم است.

تئوری محدودیت‌ها (TOC) مانند فلسفه مدیریت ژاپنی تولید به‌موقع مبتنی بر بهبود مستمر است و از این نظر هر دو در مقابل نگرشی تولید سنتی قرار می‌گیرند؛ اما تفاوت عمده آن با نظام تولید به‌موقع (JIT) در این است که فلسفه به‌موقع بر کاهش موجودی‌ها و حذف اتلاف‌ها متمرکز می‌شود درحالی‌که تئوری محدودیت‌ها بر محدودیت‌ها و حذف آن‌ها تأکید دارد و با توجه به تحریم‌های کشور و شعار امسال (رونق تولید) این عملیات و فرایند به مدیران سیاست‌گذار و اجرایی در خصوص رشد اقتصادی، شکوفایی تولید و فعال کردن واحدهای راکد و نیمه‌فعال پیشنهاد می‌شود.

تئوری محدودیت‌ها و مدیریت محدودیت‌ها قصد دارد که شانس ایجاد تغییر نتیجه‌بخش و مؤثر را افزایش دهد، تئوری محدودیت‌ها معتقد است که هر سیستم (فرایند تولیدی و خدماتی) حداقل دارای یک محدودیت است و وجود محدودیت‌ها نشان‌دهنده ظرفیت برای رشد و انجام تغییرات نتیجه‌بخش است، برخلاف روش‌های سنتی که بر شاخص هزینه عملیاتی تمرکز دارند و یا روش تولید به‌موقع که توجه خاص بر کاهش موجودی‌ها می‌کند؛ اما تمرکز اصلی تئوری محدودیت‌ها بر افزایش بهره‌وری از طریق مدیریت محدودیت‌ها و افزایش خروجی‌های تولیدی و یا دستاوردهای واحد صنعتی یا بنگاه اقتصادی است.

محدودیت‌ها در این تفکر و فرایند دارای نقش اساسی هستند؛ محدودیت عبارت است از هر عاملی که کارایی سیستم را در ارتباط با هدف یا مقصود از پیش تعیین‌شده محدود می‌کند. در واحدهای صنعتی و کارخانه‌ها محدودیت را با نام آشنای گلوگاه می‌شناسند، منبع گلوگاهی منبعی است که ظرفیتش کمتر و یا مساوی تقاضای مورد انتظار برای آن است، اما گلوگاه‌های تولیدی تنها گلوگاه نیستند و می‌توان به محدودیت‌های منابع داخلی، فروش و بازاریابی، خط‌مشی، سیاست‌گذاری و غیره نیز اشاره کرد.

روشی بر پایه اهداف و رویه‌های کسب‌وکار توسط کارآفرینان و مدیران واحدهای صنعتی در فلسفه حاکم با نام تئوری محدودیت‌ها (THEORY OF COSTRINTS =TOS) درزمان تحریم ارائه می‌شود که راهکارهای اجرایی آن در سال رونق تولید به نام فناوری تولید بهینه قابل ارائه و اجرایی است.

فلسفه اصلی تئوری محدودیت استفاده بهینه از محدودیت‌ها (گلوگاه‌های) تولید است، فرایند محدودیت به کل مراحل تولید همانند زنجیره می‌نگرد و حلقه ضعیف را که موجب گسیخته شدن این زنجیره (فرایند) می‌شود را تقویت می‌کند. به‌عنوان مثال وجود گلوگاه یک محدودیت داخلی است و نبود سفارش مشتری، تحریم صادرات و عدم برگشت ارز حاصل از صادرات، نبود مواد اولیه باکیفیت و به‌موقع، محدودیت‌های بیرونی هستند.

شاخص‌های اصلی و استراتژیک ارزیابی موفقیت یک بنگاه اقتصادی ازنظر تئوری محدودیت‌ها با توجه به رویکرد مالی و پول‌ساز بودن آن بوده و عبارت است از جریان نقدی، نرخ بازگشت سرمایه و سود خالص که لازم است همیشه باهم مدنظر قرار گیرند. شاخص‌های جدیدی که مورد نظر تئوری مدیریت است نیز عبارتند از:

- هزینه عملیاتی: پولی است که سیستم برای تبدیل کردن دارایی به بازده هزینه می‌کند.
- موجودی (دارایی): بیانگر کل پولی بوده که سیستم برای خریدن آنچه قرار است به فروش برسد سرمایه‌گذاری کرده‌است.
- بازده (دست‌یافت): میزان پولی که از محل فروش عاید سیستم می‌شود.

اگر بنگاه اقتصادی به‌عنوان یک سیستم متشکل از اجزا، حلقه‌ها و بخش‌های مختلف بر اساس دیدگاه سنتی و دنیای هزینه، مورد بررسی قرار گیرد به‌منظور بهبود عملکرد سیستم، حلقه‌های متعدد و نه صرفاً ضعیف‌ترین حلقه برای بهبود انتخاب‌شده و درنتیجه عملکرد کلی فرایند به نسبت تلاش و انرژی صرف شده بهبود نخواهد یافت، بنابراین منابع، زمان و تلاش سازمان برای بهبود بر روی ضعیف‌ترین حلقه یا محدودیت واحد صنعتی باید صرف شود.

پنج گام اساسی اجرای موفق تئوری محدودیت‌ها (TOC):

- تشخیص درست و بی‌واسطه محدودیت‌های بنگاه اقتصادی و واحد صنعتی
- طراحی فرایندی برای بهره‌برداری کامل از محدودیت‌های سازمان و بهبود عملکرد بازده با استفاده از منابع موجود. به‌عنوان مثال، در این مرحله از روش‌های مختلفی چون از بین بردن ظرفیت مازاد در صورت داشتن محدودیت فروش، قرار دادن ذخیره موقت پیش از محدودیت و انجام بازرسی و کنترل کیفیت قبل از محدودیت می‌توان استفاده کرد.
- تحلیل، تجزیه و اطمینان از اینکه تمام وظایف غیرمحدودیتی اجرای بند دو را به‌طور هم‌زمان پشتیبانی می‌کنند.
- بالا بردن سطح محدودیت (سطح منابع و امکانات)، در این مرحله باید دقت کرد که با تغییرات محدودیت، فعالیت کارگاه نیز تغییر می‌کند و همچنین باید میزان اثربخشی تغییرات را در نظر گرفت.
- زمانی که محدودیت شکسته شد به مرحله نخست بازگردید و مطمئن شوید که همه افراد سازمان نسبت به اینکه اکنون زمان تحقیق به‌منظور یافتن محدودیت جدید است، آگاهی دارند و به عبارت بهتر می‌توان گفت که سکون بزرگ‌ترین دشمن بهبود مستمر است.
- به‌منظور بازده بالا و بهبود مستمر، تئوری محدودیت همه اجزا را در کنار هم به خدمت می‌گیرد.

ابزارهای کاربردی کردن فرایند تئوری محدودیت‌ها

- درخت انتقال: تهیه دستورالعمل مراحل اجرا و نقشه جزئی‌تری از مسیر به سمت مقصد است و چگونگی انجام تغییر را مشخص می‌کند.
- درخت پیش‌نیاز: چگونگی تغییر را در اختیار ما قرار می‌دهد و به اجرا درآوردن مراحل عملی تصمیم کمک می‌کند.
- درخت واقعیت‌های آتی: این مرحله با دو هدف عمده به وجود می‌آید، نخست صحت مطلوب بودن نتیجه حاصل از تغییر و دوم بررسی اثرات نامطلوب احتمالی جدید و تلاش در جلوگیری از ایجاد و گسترش آن‌ها.
- نمودار رفع ناسازگاری: این نمودار می‌تواند به‌عنوان موتوری خلاق برای ایجاد راه‌حل‌های نو و بنیادین برای مشکلات عمل کند و مبتنی بر این عقیده است که مشکلات اصلی و مزمن سازمان به دلیل برخی از ناسازگاری‌ها و تضادهای زیربنایی و نهفته که راه‌حل مستقیم و مشخص برای آن‌ها امکان‌پذیر نیست، به‌وجود می‌آیند.
- درخت واقعیت جاری: ابزاری برای تحلیل مسئله و بررسی وضعیت جاری با منطق علت و معلولی است، پس از بررسی وضعیت فعلی، به تعداد محدودی علت اصلی و ریشه‌ای دست پیدا می‌کنم

با توجه به وجود تحریم‌ها، راهبرد مقابله با آن و نام‌گذاری سال بنام رونق تولید، خود گواه تیزبینی، هشیاری و رهبری امام خامنه‌ای و استفاده از محدودیت‌های ایجادشده توسط دشمنان انقلاب و اسلام به شکوفایی و رشد تولید با شناسایی آن‌ها و استفاده از ظرفیت‌ها و محدودیت‌ها به فرصت است، پس می‌بایست مسؤولان، مدیران و آحاد ملت ایران از این فرصت جهت تولید ثروت برای خود و کشور تلاش کنند و به ایجاد اشتغال مولد، تولید و سرافرازی ایران اسلامی کمک کنند.

تئوری محدودیت‌ها را می‌توان نگرش سامانمند نوینی در حل مسائل، شکست تحریم‌ها و محدودیت‌های درونی و بیرونی در فرایند تفکر و اجرا نامید. طراحی و ارائه تئوری محدودیت‌ها و تمرکز آن برروی بازده سازمان، مؤلفه جدیدی ایجاد کرد که سبب تغییر در نحوه نگرش به سازمان و مفهوم بهره‌وری و راهکاری بهبود آن شد و شانس اعمال یک تغییر مؤثر و نتیجه‌بخش را افزایش داد.

نگرش به واحد صنعتی از دیدگاه تئوری محدودیت، موجب تعادل در تأمین مواد در کل سیستم تولیدی شده و ویژگی بهبود مستمر آن رسیدن به بازده بهینه را برای کل بنگاه اقتصادی به دنبال دارد.

البته باید توجه داشت که نخستین سود اساسی تئوری محدودیت‌ها، تمرکزش به‌سوی خروجی کل سیستم است نه روی ترکیب‌های که ممکن است تأثیر کم و یا هیچ تأثیری بر روی عملکرد کلی بنگاه اقتصادی داشته باشد.

«۷+۱ یا ۷۱»، کدامیک اقتصاد ایران را نجات می‌دهد؟

سپهرغرب، گروه اقتصادی: مسؤولانی که هنوز از معضلات اقتصادی دو سال اخیر که حاصل وابسته کردن حل مشکلات به مذاکرات و برجام است درس عبرت نگرفته‌اند، قطعاً از ۷۱ سیاست و دستوری که ۶ سال پیش عالی‌ترین مقام کشور به‌عنوان تنها راه نجات اقتصاد به دولتمردان ابلاغ کرده بود، غافل هستند.

بعد از دیدار سران نشست گروه ۷ طی روزهای شنبه و یکشنبه در بیاریتز فرانسه و حضور ناگهانی محمدجواد ظریف در این نشست، برخی از جریان‌های فکری با ذوق‌زدگی و فراموشی کامل گذشته با تعبیر «۷+۱» به استقبال این خبر رفتند.

حضور غیرمنتظره ظریف در حالی رخ داد که قرار نبود او به این نشست برود اما یکشنبه خبر فرود هواپیمای آقای وزیر همه را غافلگیر کرد؛ از قرار معلوم وزیر خارجه ایران در راستای بسته فرانسوی که با آمریکا هماهنگ کرده بود، رفت تا مذاکره کند.

دیدار ظریف با گروه ۷ باعث شد تا برخی از جریان‌های فکری بار دیگر بر طبل مذاکره بکوبند و با ذوق‌زدگی از آرزوهای محالشان در صورت ادامه مذاکرات ایران با اروپا و آمریکا سخن بگویند. ظاهراً این افراد بنا ندارند از گذشته عبرت بگیرند و به‌کلی حافظه تاریخی خود را پاک‌کرده‌اند.

این فراموشی عمدی در حالی از سوی جریان فکری موسوم به اصلاحات صورت گرفته که هنوز زمان زیادی از برجام و بدعهدی‌های آمریکا و اروپا نگذشته‌است؛ همه می‌دانند که در برجام چه اتفاق‌هایی رخ داد و ایران چه امتیازهای سنگینی به غرب داد و درازای آن، چه وعده‌های توخالی از آمریکا و اروپا گرفت!

البته برجام نخستین تجربه از بدعهدی‌های غرب نبود اما شاید مهم‌ترین سندی بود که ایران در ازای امتیازهای فراوان هسته‌ای و غیره امضا کرد و در مقابل آنچه از سوی غرب به‌عنوان تعهدات انجام شد همان «تقریباً هیچ» بود.

موضوع مهم اما نگاه وابستگی بیش‌ازحد برخی از جریان‌های فکری که اتفاقاً تفکرات دولتمردان نیز به آن‌ها شباهت زیادی دارد، است؛ دولتی‌ها که عمدتاً از همین جریان‌های فکری روی کار آمده‌اند سال‌هاست (حداقل از ابتدای دوره نخست دولت حسن روحانی) با دست روی دست گذاشتن و چشم به مذاکرات دوختن، باعث شدند اقتصاد کشور به‌شدت ضعیف شود و درنهایت قطار اقتصاد نه‌تنها از حرکت بایستد بلکه از ریل هم خارج شود.

خیلی از زمانی که حسن روحانی آب خوردن مردم را به امضای برجام گره زد و درنهایت با امضای آن سهم ما «تقریباً هیچ» شد، نگذشته، اما ظاهراً برخی هنوز دوست دارند طعم مذاکره را بچشند و احیاناً دو سال باقی‌مانده از دولت روحانی را نیز سرگرم این خواهند بود که بر اهمیت مذاکره و تأثیر آن بر اقتصاد کشور سخنرانی کنند.

چشم این جریان فکری در حالی از همان سال‌های نخست انقلاب به غرب دوخته‌شده که اگر از همان ابتدا به توان داخلی تکیه کرده بودند اکنون به‌طور حتم، برگ برنده ما در دنیا اقتصادمان بود و دیگر نیازی نبود به خاطر تأمین حداقل نیازهای اقتصادی، مدام دنبال مذاکره با آمریکا باشیم.

این تفکرات شکست‌خورده اگر به‌جای آنکه رشد و پویایی اقتصاد را در مذاکره با غرب بداند بر تولید داخلی تکیه کند و حداقل‌های اقتصاد مقاومتی را که سال‌هاست از سوی مقام معظم رهبری بر اهمیت آن تأکید می‌شود را اجرا کند، وضعیت اقتصادی بسیار بهتر از امروز می‌شود.

اگر افرادی که از ذوق‌زدگی «۷+۱» را تیتر کرده و چشم‌انتظار آغاز دور جدیدی از مذاکرات توخالی هستند برای اجرایی شدن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که مشتمل بر ۲۴ بند و ۷۱ سیاست و دستور است، لحظه‌شماری کرده و دولت را مجبور به اجرای آن‌ها بکنند به‌طور حتم، هم زودتر می‌توانند شاهد شکوفایی اقتصادی باشند، هم از آینده اقتصاد برای نسل‌های بعدی نیز مطمئن خواهند شد. البته اگر واقعاً دغدغه ذوق‌زدگان مذاکره، رونق و شکوفایی اقتصاد باشد!

به نظر می‌رسد دوران تجربه تکراری چشم دوختن به مذاکرات برای حل مشکلات اقتصادی و معطل گذاشتن فعالان اقتصاد به سر آمده و دولتمردان باید تاکنون به این نتیجه رسیده باشند که تنها راه نجات اقتصاد کشور و حل مشکلات، توجه به تولید داخل، قطع وابستگی به نفت، نگاه به شرق به‌جای غرب، اقتصاد دانش‌بنیان، تقویت صادرات، اصلاح الگوی مصرف، افزایش رقابت‌پذیری، رشد بهره‌وری، توقف خام‌فروشی، اصلاح الگوی درآمدی و ساختارهای غلط اقتصادی و در یک کلام سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است که بارها از سوی مقام معظم رهبری به مسؤولان گوشزد شده‌است، البته به شرطی که برخی مسؤولان پنبه‌ها را از گوش دربیاورند.

در ادامه، ۷۱ سیاست و تکلیف مهم اقتصادی که ۶ سال پیش در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به دولت ابلاغ شده بود را مشاهده می‌کنید که در صورت اجرای هر یک از این سیاست‌ها به‌طور حتم حال‌وروز اقتصادمان بسیار بهتر و متفاوت‌تر از حال حاضر خواهد شد.

۱- تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات، منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به‌منظور توسعه کارآفرینی
۲- به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی
۳- تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقای درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط
۴- پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان
۵- پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور
۶- ساماندهی نظام ملی نوآوری به‌منظور ارتقای جایگاه جهانی کشور
۷- افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان
۸- دستیابی به رتبه نخست اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه
۹- محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید
۱۰- توانمندسازی نیروی کار
۱۱- تقویتِ رقابت‌پذیری اقتصاد
۱۲- ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به‌کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور
۱۳- استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری
۱۴- کاهش شدت انرژی
۱۵- ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی
۱۶- سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف، متناسب با نقش آن‌ها در ایجاد ارزش
۱۷- افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقای آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه
۱۸- افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به‌ویژه در اقلام وارداتی)
۱۹- اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی
۲۰- ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص
۲۱- تأمین امنیت غذا و درمان
۲۲- ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا)
۲۳- مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف
۲۴- ترویج مصرف کالاهای داخلی
۲۵- برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید
۲۶- اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی
۲۷- ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی
۲۸- حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به‌تناسب ارزش‌افزوده و با خالص ارزآوری مثبت
۲۹- تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم در حوزه صادرات
۳۰- گسترش خدمات تجارت خارجی، ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز
۳۱- تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات
۳۲- برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی
۳۳- شکل‌دهی بازارهای جدید و تنوع‌بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به‌ویژه با کشورهای منطقه
۳۴- استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز
۳۵- ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات
۳۶- گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف
۳۷- توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به‌منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات، تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج
۳۸- افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد
۳۹- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه همسایگان
۴۰- استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی
۴۱- استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای
۴۲- مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز
۴۳- انتخاب مشتریان راهبردی نفت و گاز
۴۴- ایجاد تنوع در روش‌های فروش نفت و گاز
۴۵- مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش نفت و گاز
۴۶- افزایش صادرات گاز
۴۷- افزایش صادرات برق
۴۸- افزایش صادرات پتروشیمی
۴۹- افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی
۵۰- افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به‌منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز
۵۱- تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، به‌ویژه در میدان‌های مشترک
۵۲- افزایش ارزش‌افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز
۵۳- توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (بر اساس شاخص شدت مصرف انرژی)
۵۴- بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع
۵۵- صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها
۵۶- منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی، غیرضرور و هزینه‌های زائد
۵۷- اصلاح نظام درآمدی دولت
۵۸- افزایش سهم درآمدهای مالیاتی
۵۹- افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز
۶۰- قطع وابستگی بودجه به نفت
۶۱- شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن
۶۲- جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری و ارزی
۶۳- تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش‌افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد
۶۴- اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه
۶۵- تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن به‌ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی
۶۶- شناسایی و به‌کارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب
۶۷- رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن
۶۸- مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به‌هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی
۶۹- شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری
۷۰- روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار
۷۱- افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن

بافندگان و طراحان فرش ایرانی در ترکیه اشتغال‌زایی می‌کنند

سپهرغرب، گروه اقتصادی: رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرش دست‌بافت با اشاره به پرداخت تسهیلات ارزان‌قیمت به بافندگان و طراحان فرش دست‌بافت ایران از سوی ترکیه، گفت: این کشور برای اشتغال‌زایی با جذب تسهیلات ارزان‌قیمت بافندگان و طراحان ما را جذب کرده‌است.

احمد کریمی اصفهانی با تأکید بر اینکه در راستای توسعه صادرات غیرنفتی و ایجاد اشتغال باید به صنعت فرش توجه شود، اظهار کرد: ارزش‌افزوده فرش ۸۰ درصد است و تقریباً دو میلیون نفر در این صنعت مشغول به کار هستند.

رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرش دست‌بافت ادامه داد: در دهه ۷۰ ارزش صادرات فرش یک میلیارد و ۷۴۰ میلیون دلار بود اما اکنون میزان صادرات آن به ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار کاهش یافته که یکی از دلایل آن اهمیت ندادن به موضوع اشتغال‌زایی در این حوزه است.

وی با بیان اینکه به مسئله اشتغال‌زایی حوزه فرش، کشورهای دیگر ازجمله ترکیه به‌خوبی پی برده‌اند، عنوان کرد: به دلیل قابلیت اشتغال‌زایی بالا در این حوزه، کشور ترکیه سرمایه‌گذاری در این زمینه را آغاز کرده و با دادن تسهیلات بانکی ارزان‌قیمت و با نرخ‌های سه تا چهار درصد در حال جذب بافندگان و طراحان فرش از کشورهای دیگر است.

کریمی‌اصفهانی با بیان اینکه ترکیه به طراحان و بافندگان فرش دست‌بافت به هر مقدار که بخواهند تسهیلات پرداخت می‌کند، اذعان کرد: اکنون برخی طراحان و بافندگان ما به ترکیه مهاجرت کرده‌اند و با اخذ تسهیلات در این کشور مشغول به کار هستند.

وی افزود: این در حالی است که باوجود قابلیت اشتغال‌زایی در این صنعت، مسؤولان ما به آن توجهی نمی‌کنند.

رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرش دست‌بافت، اظهار کرد: نمی‌توان به بافندگان و طراحانی که برای اخذ تسهیلات و اشتغال به کشور ترکیه رفته‌اند ایراد گرفت، اما می‌توان با حمایت از این صنعت مانع این مسئله شد.

کرمی‌اصفهانی خاطرنشان کرد: یکی از آسان‌ترین روش‌ها در این راستا این است که حداقل‌های زندگی یک بافنده را تأمین کنند.